

ریز موضوعات

سخنرانی

دکتر اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)



هدف قیام حسینی

دهه دوم محرم ۱۳۹۶

جلسه پنجم - ۱۳/۰۷/۱۳۹۶

حسینیہ مرحوم عمادزاده اصفهان

اشاره به عبارتی از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبٍ وَ صِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِكِتَابِكَ وَ خَصَصْتَهُ وَ ائْتَمَّنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ فَأَعْذِرُ فِي الدُّعَاءِ وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشُّكِّ وَ الْارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى وَ أَنْتَ تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى حَتَّى تَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ الْأَذْيِ

و جانش را در راه تو بذل کرد. تا بندگانت را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات دهد، و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند

ابن قولویه. ۱۳۵۶. کامل الزیارات. نجف اشرف: دارالمرتضویه.

- مروی کلی بر مباحث جلسه گذشته
- شناخت و معرفت از امام و نحوه پیروی از آنان در آینه عقل
 - تقسیم بندی واقعیات و اعتباریات در امور واقعی (خارج از ذهن)
 - موجود مختار و شناخت واقعیات عالم در برقراری رابطه میان خود و واقعیات عالم
 - تغییر و تبدل، ذاتی امر اعتباری
- امور و مفاهیم اصیل یا حقیقی و واقعی؛ عبارت‌اند از آنچه در عالم خارج، تحقق عینی دارند و معلول علت‌های خاص تکوینی می‌باشند؛ مانند تمام موجوداتی که ما در جهان مشاهده می‌کنیم.
- اعتبار، در فلسفه، منطق و اصول با معانی مختلفی به کار برده می‌شود؛ مانند این‌که گفته شده: مفاهیم اعتباری، برخلاف مفاهیم حقیقی؛ مفاهیمی هستند که این قابلیت را ندارند که هم در ذهن بیابند و هم در خارج موجود شوند.
- بررسی قاعده «کل نوع یتکرر فهو اعتباری»
 - حضرت حق ارائه راهکار صحیح در مسیر حرکت انسان
 - راهنمایان الهی از باب لطف حضرت حق (کتاب و پیامبر و امام)
- امام معصوم روح جامعه در کلام سید حیدرآملی
 - حقیقت انسان در مقام ولایت



○ پس از شناخت آیات آفاقی منطبق با آیات قرآنی نوبت به کتاب بزرگتری می رسد که عارف باید آن را بخواند و آن کتاب نفس است:

▪ «أَفْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»

▪ معنا این است که خدای متعال می فرماید: بخوان کتاب خود را که در بر گیرنده همه کتابهاست، یقین کنی که عظیمترین نسخه و بزرگترین صحیفه هستی و در مشاهده حق (یا نفس خودت) به کتاب دیگری نیاز نداری؛ زیرا از حیث روح که صورت کتاب مجمل تست همان عقل اول هستی و آن امّ الکتاب است (که همه حقایق در آن موجودند)؛ چرا که به طور اجمال همه اشیا را فرا گرفته است.

○ همچنان که قبلا گفته شد از جهت قلبت که نفس ناطقه نامیده می شود (و آن، صورت کتاب مفصل تست) به مثابه نفس کلیه ای است که کتاب مبین است؛ بدان جهت که همه چیز در آن به تفصیل آشکار آمده و از جهت نفس منطبعه در جسد مادی تو (که نفس حیوانی نامیده می شود) همچون نفس منطبعه در جسم کلی هستی (که ماده همه ی اشیاء از آن گرفته شده است) و آن جسد، انسان کبیر (یعنی کل عالم) و کتاب محو و اثبات است و از همه کتب جزئی و کلی آفاقی، نمونه ای و آثاری در تو هست... .
(تفسیر المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۲۵۳)

▪ پس انسان از قابلیت کلی یعنی فیض اقدس بهره مند است و نیز تجلی کلی یعنی فیض مقدس را داراست و حقیقت انسان، نفس رحمان است که همه چیز به واسطه آن تجلی کرده و فیض اقدس و مقدس، همه از اوست و صورت انسان کامل، برای حق تعالی به منزله سایه شخص برای اوست، موجودی نیست که استعداد ظهور ذات کامل حق را داشته و محل جلوه کمالات بی کران او باشد، غیر از انسان.

○ در حقیقت، او نسخه جامع و صحیفه کامل است و استعداد آشکارگری ذات خداوند را دارد و فرمایش خداوند: «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً» همچنین فرمایش پیامبر «خدای تعالی آدم را به صورت خود آفرید.» دلیل بر آن است.

▪ علاوه بر آن، خداوند به انسان، توان و ظرفیت داد تا محل اوصاف و اخلاق او شود. دلیل بر آن هم فرمایش خداست: «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و نیز پیامبرش صلی الله علیه و آله: «به اخلاق خدا آراسته شوید.» هر کس در آسمانها و زمین و میان آنهاست، جلوه گر بعضی از نامها و شایسته برخی از کلمات اوست: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» ولی انسان، آشکارگر کل؛ یعنی ذات و صفات و افعال است... .



• بررسی و تحلیل دو تفکر در رابطه مردم و امام معصوم (علیهم السلام)

○ شیعه و اعتقاد به افاضه بودن مقام امام معصوم و انتخاب شده از جانب حضرت حق

▪ امام دارا و واجد بالاترین رتبه وجودی، موجودات

○ اشاره به تحلیلی فاطمی سلام الله علیها در تعریف نظام اصلی جامعه اسلامی

▪ عن فاطمة الزهراء (سلام الله علیها): «و جعل طاعتنا نظاماً للملئمة و امامتنا اماناً من الفرقة»

• خداوند اطاعت ما را نظام و سامانی برای آئین اسلام و امامت ما را امانی از تفرقه و اختلاف قرار داده است.

▪ از منظر فاطمی، ولایت و امامت تنها عامل به سامان رسانی آئین اسلام است، اما به شرط ولایت‌پذیری امت، ولایت و

امامت، یگانه محور وحدت، امنیت و عدالت است، اما به شرط همدلی و همراهی امت.

• جهالت و عدم شناخت روح کلی جامعه

○ مرگ در جاهلیت نتیجه عدم شناخت امام در کلام روایت

▪ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ يُونُسَ النَّهْشَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ النَّصَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو

بَكْرٍ بْنُ عَيَّاشٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شَهَابِ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ نَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ يَا

عَلِيُّ مَنْ أَبْغَضَكَ أَمَاتَهُ اللَّهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً - وَ حَاسَبَهُ بِمَا عَمِلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (أمالی المفید، ص: ۷۶)

• انس بن مالک گوید: پیامبر (ص) به علی بن ابی طالب (ع) نظری افکند و فرمود: ای علی هر کس تو را دشمن

دارد خداوند وی را به مرگ جاهلیت (حال کفر و بی‌دینی) بمیراند، و روز قیامت به حساب اعمالش رسیدگی

نماید.

▪ تحلیلی در بررسی مرگ در جاهلیت و عدم همراهی عقل عملی در سایه عقل نظری

• جاهل در لغت به معنای نادان و کسی است که از دانش و علم برخوردار نیست. البته برای این واژه کاربردهای

دیگری نیز بیان شده است. گاه جهل را در برابر عقل و گاه در برابر علم به کار می‌برند. به نظر می‌رسد که

مصدر جعلی جاهلیت با توجه به کاربرد این واژه در برابر عقل باشد. به این معنا که جاهل کسی است که از عقل

و خرد خود بهره نمی‌برد؛ زیرا بسیاری از کسانی که در دوره جاهلیت به سر می‌بردند از دانش‌های روزگار خود



بهره مند بوده اند و به علوم مورد نیاز جامعه و عصر خویش آگاه بوده اند. از این رو مراد فقدان کاربرد عقل و خرد در زندگی فردی و اجتماعی مراد است. جاهل کسی است که خرد و عقل را در زندگی به کار نمی گیرد، با آن که به علوم و دانش های زیادی آگاهی دارد. همان طور که عقل به دو دسته به اعتبار معقول دسته بندی می شود و گاه از عقل نظری و گاه از عقل عملی سخن به میان می آید به نظر می رسد که مراد از جهل همان جهل عملی مانند عقل عملی است. به این معنا که فرد جاهل، در رفتار خویش از عقل عملی خود بهره ای نمی گیرد و رفتار و کردار و منش خود را بر پایه عقل عملی سامان نمی دهد. در این معنا، عاقل کسی است که رفتار و اخلاق درست و راستی از خود بروز می دهد و منش او بیانگر بهره گیری از عقل است.

○ رابطه میان امام و جامعه در کلام امام صادق علیه السلام

■ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ اَعْلَمَ يَا فُلَانُ إِنَّ مَنَزَلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنْزَلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَاجِبِ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ أَلَا تَرَى أَنْ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شَرَطٌ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّيَةٌ عَنْهُ الْأَذْنَانِ وَالْأَعْيُنَانِ وَالْأَنْفُ وَالْأَيْدِيَانِ وَالرِّجْلَانِ وَالْفَرْجُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَإِذَا هَمَّ بِالِاسْتِمَاعِ حَرَّكَ أذُنَيْهِ وَ فَتَحَ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَإِذَا هَمَّ الْقَلْبُ بِالشَّمِّ اسْتَنْشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَى تِلْكَ الرَّائِحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَإِذَا هَمَّ بِالنُّطْقِ تَكَلَّمَ بِالسَّانِ وَإِذَا هَمَّ بِالْحَرَكَةِ سَعَتِ الرَّجُلَانِ وَإِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذَّكْرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالتَّحْرِيكِ وَ كَذَا يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُطَاعَ لِلْأَمْرِ مِنْهُ

● بسندی از راوی که شنیدم امام ششم علیه السلام میفرمود: ای فلانی بدان که دل در تن چون امام است در مردم که فرمانبردن او واجب است بر آنان، نبینی که همه اعضاء تن پاسبانان دلدن و ترجمان اویند و از او گویند، دو گوش و دو چشم و بینی و دو دست و دو پا و فرج، چون دل آهنگ دیدن کند، هر دلدار دو چشم بگشاید و چون آهنگ شنیدن کند دو گوش بجنباند و سوراخشان را باز کند و بشنود، چون آهنگ بو کردن کند با بینی بو کشد و آن بو را بدل رساند، و چون آهنگ سخن کند زبان گشاید، چون آهنگ حرکت کند پاها را گشاید،



چون آهنگ دلخواه کند آلت مردی بجنبد و برخیزد، همه اینها خواست دل را اداء کنند و شایسته است که امام هم چنین فرمانبری شود.

• بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۸، ص: ۲۵۰

• ولایت نعمت بزرگ الهی

○ بعثت انبیا، بزرگ ترین هدیه ی آسمانی و نعمت الهی است (آیه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران)

▪ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

○ ولایت عامل اکمال و اتمام دین (آیه ۳ سوره مبارکه مائده)

▪ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا

○ اهمیت شناخت ولایت در قیاس با نبوت (آیه ۷۱ سوره مبارکه الاسراء)

▪ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا

• کلمه «امام» به معنای مقتداء است و مراد از «امام هر طائفه» همان اشخاصی هستند که مردم هر طائفه به آنها

اقتداء و در راه حق و یا باطل از آنها پیروی می کرده اند، و قبلا هم گفتیم که قرآن کریم هر دو مقتداء را امام

خوانده، و امام حق کسی را دانسته که خداوند سبحان او را در هر زمانی برای هدایت اهل آن زمان برگزیده است.

• انعقاد و مشروعیت حکومت در مکتب خلافت

○ در مکتب خلافت تئوری انعقاد و مشروعیت حکومت متأثر از حوادثی است که بعد از رحلت پیامبر مکرم اسلام (ص) و در طول قرنهای

اتفاق افتاده است.

○ از اینکه پیروان خلفا، حکومتهای خلفای "راشدین"، "بنی امیه"، "عباسیان" و "عثمانیها" را به رسمیت می شناسند و آنان را

زاممداران بر حق می دانند، آنان کیفیت انعقاد حکومت را به گونه ای مطرح می کنند که این حکومتها را شامل گردد و از محدوده



مشروعیت خارج نکنند. یعنی تئوری مشروعیت به گونه ای پایه ریزی شده است که هیچ گونه خللی به حقانیت این حکومتها وارد نشود. در این مکتب با توجه به حوادثی که اتفاق افتاده بود، راههای انعقاد و مشروعیت حکومت بدین قرار است.

- الف: انتخاب و گزینش توسط اهل حل و عقد مانند خلافت ابوبکر
- ب: استخلاف یعنی خلیفه ای جانشین خود را تعیین کند مانند خلافت عمر، چرا که خلیفه دوم، عمر با استخلاف ابوبکر زمام امور را در دست گرفت.
- ج: شورای انتصابی یعنی خلیفه چند نفر را در شورای انتصاب نماید تا آنان در بین خود خلیفه را انتخاب نمایند مانند خلافت عثمان توسط شورای شش نفره ای که عمر برای این کار تعیین نمود.
- د: بیعت عمومی مانند خلافت علی بن ابی طالب (ع).

▪ ه: شوکت و استیلا یا رهبری تغلیبیه مانند حکومت معاویه.

- با این وجود در مکتب خلفا برای انعقاد و مشروعیت حکومت چندان موونه ای وجود ندارد، با این راه های مذکور بسیاری از حکومت ها در دایره بزرگ مشروعیت قرار می گیرند.
- اینک نگاهی به اقوال علمای مکتب خلافت درباره مشروعیت نظام سیاسی همه حکومتها برای بقا و استمرار و نیز تحکیم پایه ها و بنیادهای حکومتی ناچار به بازشناسی مبانی مشروعیت نظام سیاسی خویش اند تا با پشتیبانی از آن بتوانند حق فرمانروایی را از آن خود قرار داده و استفاده از نمادهای زور و قدرت را به حداقل کاهش دهند و به منظور پیشگیری از هر گونه بحران مشروعیت به تقویت و گسترش دایره حقانیت و مقبولیت خود در جامعه بپردازند.

▪ نظر ماوردی

- "ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب" معروف به "ماوردی" (۴۵۰ ق.) در کتاب "احکام السلطانیة" می نویسد: امامت و زمامداری از چند راه منعقد می شود؛ از راه انتخاب اهل حل و عقد و نیز از راه استخلاف (خلیفه پیشین خلیفه بعدی را تعیین کند) وی سپس در انتخاب اهل حل و عقد و بیعت به اینکه چه تعدادی در این امر مهم لازم است، می نویسد: برخی گفته اند: باید جمهور اهل حل و عقد خلیفه را انتخاب کنند، اما این نظر مردود است چون که در بیعت با ابوبکر جمهور نقشی نداشتند؛ عده ای گفته اند حداقل افرادی که در انعقاد و مشروعیت



خلافت لازم است پنج نفر است. باید پنج نفر باشند که با فردی بیعت کنند، یا چهار نفر ضایت بدهند و یک نفر بیعت کند، استدلال اینها دو نکته است. یکی اینکه در بیعت با ابی بکر پنج نفر بودند "عمر بن خطاب"، "ابوعبیده بن جراح"، "اسیر بن حضیر"، "بشر بن سعد" و "سالم غلام آزاد شده ابوحنظله"، سپس مردم با خلیفه برگزیده بیعت کردند. دوم اینکه عمر شش نفر را انتخاب کرد و دستور داد که تا پنج نفر با یکی از این شش نفر بیعت نمایند و بدین طریق خلیفه تعیین گردد و مشروعیت پیدا کند. این قول اکثر فقها و متکلمین از اهل بصره است. علمای دیگر گفته اند حکومت با بیعت یک نفر و با رضایت دو نفر منعقد می شود. و برخی دیگر گفته اند حکومت با بیعت یک نفر منعقد می شود چون که عباس عموی پیامبر (ص) به علی (ع) گفت: دستت را بده تا با تو بیعت کنم تا مردم بگویند: حال که عموی پیامبر (ص) با پسر عموی بیعت کرده است ما رضایت می دهیم. و همه راضی می شوند. و دیگر اینکه بیعت حکم است؛ حکم یک نفر نافذ است.

■ نظر قاضی ابی یعلی موصلی حنبلی

● قاضی ابی یعلی محمدبن حسین فراء حنبلی (۴۵۸ ق.) درباره انعقاد و مشروعیت حکومت از راه استیلا و غلبه نظامی می نویسد: از احمدبن حنبل روایت شده است که اگر حاکمی با قهر و غلبه حکومتش مستقر و تثبیت شد، حکومت او مشروع و قانونی است و احتیاجی به عقد بیعت ندارد. و نیز احمدبن حنبل می گوید: اگر حاکمی با شمشیر حکومت را تصاحب نمود و خود را امیرمومنان خواند برای هیچ یک جایز نیست او را به عنوان خلیفه و امام مسلمانان به رسمیت نشناسد. حتی اگر فاجر باشد. می گوید: هر کس که غالب بشود، او خلیفه است و نماز جمعه را او باید بخواند، عبدالله بن عمر در مدینه در ایام حره گفت: "نحن مع من غلب، ما با کسی هستیم که پیروز شده باشد"

■ نظر ابن تیمیه حنبلی

● "احمدبن شهاب الدین" معروف به "ابن تیمیه" (۶۶۱-۷۲۸ ق.) درباره حکومت استیلائی می گوید: "آشکار است که امور مردم نمی تواند سروسامان گیرد مگر به کمک زمامداران. وجود زمامدار ستمگر بهتر از آن است که هیچ کس حاکم نباشد، چنان که گفته اند شصت سال با حاکم ظالم به سر بردن بهتر است از یک شب بدون حاکم."



■ نظر قاضی عضدالدین ایجی شافعی

- "قاضی عضدالدین ایجی شافعی" (- ۷۵۶ ق.) در کتاب "المواقف" در مقصد سوم و در راههای ثبوت امامت می نویسد: امامت ثابت می شود با نص از رسول و از امام سابق اجماعاً و ثابت می شود با بیعت اهل حل و عقد (بر خلاف نظر شیعه) دلیل ما برقراری حکومت ابوبکر با بیعت است...
آنگاه که ثابت شد امامت با اختیار و بیعت مستقر می شود پس بدان که در این بیعت نیازی نیست که همه در آن شرکت داشته باشند. چون که دلیلی برای این امر وجود ندارد بلکه یک نفر و یا دو نفر از اهل حل و عقد بیعت کردند کافی است چون که می دانیم صحابه - با توجه به صلابت آنان در دین - برای انعقاد خلافت ابوبکر به بیعت عمر اکتفا کردند و نیز برای خلافت عثمان به بیعت عبدالرحمان بن عوف بسنده نمودند.
- شارحان کتاب مواقف مانند سید شریف جرجانی، مولی حسن چلبی و شیخ مسعود شیروانی این سخن قاضی عضدالدین ایجی را پذیرفتند.

■ نظر تفتازانی

- سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی " (۷۲۲-۷۹۲ ق.) در کتاب "شرح المقاصد" می نویسد: "یکی از اسباب انعقاد خلافت قهر و غلبه است و هر کسی که با قهر و غلبه مقام امامت و رهبری را بدست آورد، ظاهراً حتی اگر جاهل و فاسق هم باشد بدون بیعت خلافتش منعقد می گردد.

■ تحریف و تحریم روایت عاشورا توسط امام محمد غزالی

- روایت و حکایت کردن کشته شدن [امام] حسین و ماجرای درگیری و دشمنی میان صحابه و نقل کردن بر واعظ و غیر واعظ، حرام است، چرا که این کار کینه صحابه و طعن زدن بر آنها را تهییج می کند، در حالی که آنها بزرگان و اعلام دین هستند و آنچه که از منازعه ها و درگیری ها میانشان رخ داده است، حمل به صحت می شود و شاید که این زد و خوردها از سر اشتباه در اجتهاد بوده نه از سر ریاست طلبی و دنیا خواهی همچنان که پوشیده نیست.

هدف قیام حسینی

دهه دوم محرم ۱۳۹۶

جلسه پنجم - ۱۳/۰۷/۱۳۹۶

حسینیہ مرحوم عمادزاده اصفهان



ریز موضوعات

سخنرانی

دکتر اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

- جمع بندی کلی مباحث و نتیجه گیری
- امام حسین علیه السلام عامل بیداری و روشنگر راه هدایت
- شناخت امام و اهمیت آن در ایجاد جامعه فاضله
- جهالت و نتیجه آن در حرکت ناصحیح جامعه
- وظیفه پیروان حقیقی امام حسین و معصومین چیست؟
- علم و آگاهی و معرفت (اهمیت عقل نظری و حرکت در سایه عقل عملی)
- مجاهدت و تلاش
- تقوا و زهد
- اهمیت مطالعه و شرکت در مجالس علم و آگاهی در شناخت حق و حقیقت

#زیرموضوعات

#دکتر_محمد_اسدی_گرمارودی

#هدف_حسینی_امامت_وظیفه_شیعیان_جهالت

#اصفهان_محرم_۱۳۹۶

#حسینیہ_عمادزاده

#المنهاج @almenhaj